

سمیرا نوربافی، اشتغالی مناسب با سبک زندگی بانوان محله مهدی آباد ایجاد کرده است

کفش دوزهای خانه دار

۵۰۴



عکس: فیهیمه فرخی/شهرآرا

داستان ایمان گل ختمی، جوانی که هیچ دستگاهی را غیرقابل تعمیر نمی داند

جراح الکترونیک

۶



دانش آموزان ۵ مدرسه، هر روز با ترس ولرز

از پل هوایی فرسوده ابتدای بولوار وحدت عبور می کنند
۲ الان است که پل فرو بریزد!

نوجوان محله ارونند از تماشای اجرای کنگ فو الهام گرفت
و حالا مدال آور استانی است

تمرین رزمی در بوستان محله
۷



دانش آموزان ۵ مدرسه، هر روز با ترس و لرز از پل هوایی فرسوده ابتدای بولوار وحدت عبور می کنند

الان است که پل فرو بریزد!

سید محمد عطایی | پایه های اصلی پل هوایی زنگ زده و زخمی شده است. از محل زخم های روی پایه، آب باران، سریده و رنگ پل را قرمز کرده است. از پله ها که بالا می روی، ترس و دلهره به جانت می نشیند. چون پله ها هم پوشیده اند. کف پاگرد بین پله ها هم ورقه ورقه شده است؛ اما دلهره اصلی وقتی شروع می شود که به سطح اصلی پل هوایی بالای خیابان می رسی. اینجا نه سقف و نه کف هیچ کدام سالم و ایمن نیستند. همه این ها توصیف و وضعیت تنها پل هوایی ابتدای بولوار وحدت است که باعث نگرانی دانش آموزان و والدین محله رضائیه شده است.



● پایه ها و پله های زنگ زده

رسیدگی لازم صورت نگرفته و نقاط مختلفی در پل هوایی به سبب روکش نداشتن، اکسید شده و آب باران از درون آن را پوسانده است. این صحبت های جمعی از دختران دبیرستانی است که پایه های پل را نشان می دهند. زهراروحی می گوید: اینجا اطراف مدرسه زیاد مسکونی نیست و شاید به همین دلیل کسی پیگیر رسیدگی به این پل هوایی نبوده است. وضعیت پل با این میزان فرسودگی خیلی خطرناک است. از طرف دیگر اگر بخواهیم از خیابان رد شویم، باید مسیر زیادی را به سمت داخل بولوار وحدت یا میدان شهدای گمنام برویم و تنها آنجا امکان عبور از عرض خیابان وجود دارد. سارا عبداللهی، دانش آموز نوجوان، میل گردی را کف پل هوایی نشان می دهد که جدا شده است و در مسیر عبور عابران قرار دارد. او می گوید: اگر حواسمان نباشد، ممکن است پیمان به آن گیر کند و از روی پل بیفتیم.

● پله های ناایمن و حادثه ساز

آذر بهمنی فرد، مدیر دبیرستان دخترانه فرزنانگان ۳ شهید شکفته، از وضعیت غیراستاندارد و ناایمن پل گلایه دارد و می گوید: نه پله ها شیب مناسبی دارد و نه نرده های آن استاندارد است. ما چندین بار در اینجا شاهد حادثه بودیم. بچه ها با اکراه روی پل می روند و ترجیح می دهند از عرض خیابان عبور کنند. حق هم دارند پل تماما زنگ زده است و هر لحظه امکان ریزش آن وجود دارد. حدیث کسرای، مدیر هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه بصیرت، می گوید: دانش آموزان ما از مناطق مختلفی مانند بولوار طبرسی و حتی محدوده خواجه ربیع به اینجا می آیند و ناچارند از عرض بولوار وحدت عبور کنند. خودشان را به پایانه اتوبوس رانی شهدای گمنام می رسانند و از روی پل هوایی به این سمت می آیند. این پل پله های استاندارد و ایمنی ندارد. بارها درخواست کردیم که آسانسور نصب کنند و روی عرض پل و پله ها کامل مسقف شود. چون در زمستان سطح آن یخ می زند و بچه ها لیز می خورند. کسرای به جانمایی نامناسب پل نیز اشاره می کند و می گوید: پل باید کمی جلوتر و مقابل خیابان وحدت ۱.۳ باشد تا هم امنیت بیشتری داشته باشد و هم به ایستگاه اتوبوس نزدیک تر باشد.

● پل هوایی، دلهره آور برای دانش آموزان

در ابتدای بولوار وحدت، درست در محلی که زیرگذر چهارراه شهدای گمنام تمام می شود، چندین مدرسه در دو سوی خیابان قرار دارد. دبیرستان دخترانه دوره دوم فرزنانگان ۳ شهید شکفته، دبیرستان دخترانه نمونه دولتی فرهنگ ام ابیها (س)، هنرستان فنی حرفه ای دخترانه بصیرت، دبستان پسرانه شاهد طاهو و دبیرستان پسرانه دوره اول شهید حسین زاده. تعداد زیادی از این دانش آموزان برای رفت و آمد از عرض خیابان از تنها پل هوایی این محدوده نزدیک مدرسه شان استفاده می کنند؛ پلی فرسوده که باعث نگرانی دانش آموزان و خانواده ها شده است. بیتا کریمی همراه دوستش با احتیاط از روی پل هوایی عبور می کنند. او درباره وضعیت پل می گوید: راهی نیست؛ مجبوریم از پل استفاده کنیم؛ اما دلهره آور است. تازه الان زمان خلوتی است. وقتی مدرسه تعطیل می شود، هم زمان دو بیست نفر بالای این پل هستند و هر بار فکر می کنیم که الان است پل سوراخ و پاهایمان از کف آن رد شود!



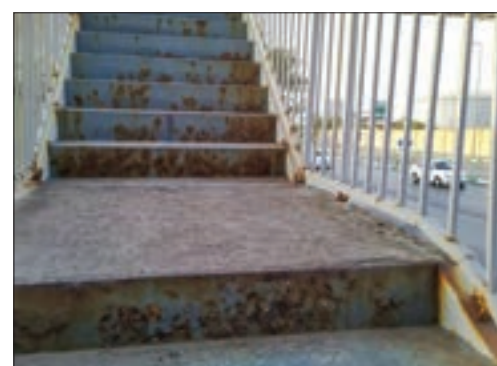
● سامان دهی پل هوایی، به زودی

شهردار منطقه ۵، در این باره می گوید: مسئولیت نصب و جانمایی پل های هوایی با سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد است و نیاز به تأییدیه پلیس راهور دارد. برای جابه جایی این پل هوایی هم نیازمند پیگیری های قانونی از این دو نهاد هستیم. حسن صالحی مفرد درباره نگهداری از پل های هوایی توضیح می دهد: حدود شش ماهی می شود که با ابلاغ شهردار مشهد به منظور تسریع در تعمیر، نگهداری این پل ها به شهرداری مناطق واگذار شده است تا از طریق پیمانکاران کارهای لازم انجام شود. پیش از این نگهداری هم برعهده سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد بود. شهردار منطقه ۵ می افزاید: رفع مشکلات این پل، در دستور کار پیمانکاران قرار دارد و به زودی سامان دهی خواهد شد.



● بررسی وضعیت پل، تا یک هفته آینده

بهنام جبینی، معاون نظارت و مهندسی شبکه حمل و نقل در سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد، درباره درخواست جابه جایی و تجهیز پل هوایی بولوار وحدت به آسانسور توضیح می دهد: امکان نصب آسانسور و تعیین محل جدید پل ها بر اساس شاخص هایی مانند میزان خطر تصادف، تعداد کاربران و میانگین سنی استفاده کنندگان بررسی می شود. او تأکید می کند: برپایه آیین نامه طراحی معابر شهری، نصب پل هوایی در معابر شریانی مجاز نیست و به همین دلیل، برنامه شهرداری انتقال تدریجی این پل ها به بزرگراه هاست. با این حال او می گوید بررسی وضعیت این پل هوایی خاص ظرف یک هفته انجام و نتیجه آن اعلام خواهد شد.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



شما چه خبر

● بانوان محله شهید باهنر پای تدبیر قرآن

دوشنبه هفته گذشته، مسجد الرضا^(ع) در محله شهید باهنر میزبان جمعی از بانوان علاقه مند به قرآن بود. در این نشست، شرکت کنندگان به تدبیر در مفاهیم آیات قرآن مجید پرداختند و آیاتی از سوره های بقره، آل عمران، نساء و مائده را خواندند. فضای جلسه سرشار از آرامش و اندیشه بود. بانوان شرکت کننده با پرسش و گفت و گو درباره معنا و کاربرد، صراط مستقیم، در زندگی روزمره، به درک تازه ای از این مفهوم دست یافتند. هدف از برگزاری این برنامه ها، کمک به تعمیق ارتباط با قرآن و تبدیل مفاهیم آن به چراغ راه زندگی معرفی شد.



● شب مسجدی دختران کوی عمر یاسر

سحر نیکو عقیده^(ع) دوشنبه هفته گذشته، مسجد جواد الائمه^(ع) در محله آقامصطفی خمینی (کوی عمر یاسر) میزبان اردوی شبانه ویژه دختران بود که تبدیل به خاطره ای پراز شور، صمیمیت و لحظه های به یادماندنی برایشان شد. این برنامه با هدف ایجاد فضایی دوستانه و بانشاط برای دختران برگزار شد تا فرصتی برای گفت و گو، یادگیری و باهم بودن فراهم شود. در طول اردو، شرکت کنندگان در مسابقات ورزشی، بازی های گروهی و برنامه های مطالعه و گفت و گو شرکت کردند و تانیمه های شب، فضای مسجد سرشار از انرژی و خنده بود. برگزار کنندگان این برنامه می گویند هدفشان این بوده است که مسجد جایی برای تجربه های تازه و دوستی های صمیمی باشد؛ جایی که دختران احساس آرامش و تعلق کنند و از کنار هم بودن لذت ببرند.



● هیجان در دوچرخه سواری جمعی

صبح روز پنجشنبه، اول آبان، خیابان اروند ۲۹ شاهد حال و هوایی متفاوت بود. حدود سیصد نفر از نوجوانان و جوانان محلات اروند و کهنه بیست در همایش بزرگ دوچرخه سواری شرکت کردند؛ این همایش با درخواست و مشارکت اهالی برگزار شد. مسیر حرکت از ابتدای خیابان شهید بخشی آغاز شد و دوچرخه سواران در هوای خنک پاییزی، مسیر را تا پارک امید پیمودند. در طول مسیر، شور و هیجان شرکت کنندگان، فضا را پراز نشاط کرده بود و مردم محله بالبخند و تشویق، همراهشان شدند. در پایان، در پارک امید، شرکت کنندگان با پذیرایی گرم و صمیمانه برگزار کنندگان شامل شورای اجتماعی این محلات و شهرداری منطقه ۶ روبه رو شدند. بخش جذاب برنامه هم قرعه کشی میان همه حاضران بود و جوایزی مانند دوچرخه، توپ و لباس ورزشی به برندگان اهدا شد.



● اردوی پدر و پسر در محله امیرآباد

هفته گذشته، پدران و پسران محله امیرآباد در کنار هم، لحظاتی شاد و به یادماندنی را سپری کردند. این برنامه خانوادگی به همت کانون فرهنگی معراج دارد و گاه امیرالمؤمنین^(ع) برگزار شد و حال و هوایی پراز صمیمیت و لبخند به خود گرفت. هدف از برگزاری این اردو، تقویت پیوند میان پدران و فرزندان و ایجاد فرصتی برای تجربه لحظات مشترک و پر مهر بود. شرکت کنندگان در کنار بازی ها و فعالیت های گروهی، در فضایی گرم و دوستانه با هم گفت و گو کردند.

اصلاح الگوی کاشت در بوستان کرامت

در راستای ارتقای کیفیت فضای سبز و بهبود منظر شهری، عملیات جمع آوری گیاهان پوششی و کاشت درختچه های مقاوم در بوستان ۷۳ هکتاری کرامت اجرا شد. در این طرح برای صرفه جویی در مصرف آب، بیش از هزار اصله درختچه مقاوم به کم آبی و شرایط فصلی و اقلیمی مشهد کاشته شد.

ساخت و سازهای غیرمجاز، همچنان اخطار می گیرند

در راستای اجرای ضوابط شهرسازی و حفظ نظم شهری، در شش ماهه نخست سال جاری، تعداد ۲۲۱۰ اخطار برای ساخت و سازهای غیرمجاز و فعالیت های غیراصولی در سطح منطقه صادر شد. این اقدام در راستای صیانت از حقوق شهروندی، ارتقای ایمنی شهری و جلوگیری از گسترش تخلفات ساختمانی انجام گرفته است.

«شادمانه» ای برای کودکان

ویژه برنامه «شادمانه» با محوریت بازی و سرگرمی برای کودکان، در مجموعه فرهنگی ورزشی شهربانوی نصرت و با همکاری اداره فضای سبز منطقه برگزار شد. این برنامه با هدف ایجاد فضایی شاد و پرنشاط برای کودکان و تقویت روحیه اجتماعی آنان در کنار خانواده ها اجرا شد.



شهر خبر



جلسه هماهنگی کارگروه فرهنگی محلات منطقه ما برگزار شد

یکپارچگی برنامه های فرهنگی ۳ محله

عطایی^(ع) جلسه هماهنگی کارگروه فرهنگی محلات اروند، انصار و کهنه بیست (موعد) در مسجد امام حسین^(ع) محله کهنه بیست برگزار شد.

در این جلسه، جمعی از فعالان و مسئولان فرهنگی، ورزشی و رسانه ای این محلات، برنامه های اجرایی ماه آینده این محدوده را برنامه ریزی کردند که برگزاری جشن نخبگان محلی، جشن تکلیف نوجوانان محله و ویژه برنامه های دهه فاطمیه از آن جمله بود. در پایان این جلسه مقرر شد جشن نخبگان محلی که توسط فعالان محلات شناسایی و معرفی می شوند با حضور خانواده برگزارندگان در فرهنگ سرای نصرت برگزار شود. همچنین برگزاری جشن تکلیف نوجوانان محله با حضور نوجوانان دختر و پسر و باد عوت از هزار نوجوان از دیگر تصمیمات این نشست بود. در ادامه بر برگزاری مراسم باشکوه عزاداری دهه فاطمیه در هر سه محله تأکید شد.



سمیرا نوربافی، اشتغالی مناسب با سبک زندگی بانوان محله مهدی آباد ایجاد کرده است

کفش دوزهای خانه دار

مریم دهقان خیلی از کارهای بزرگ با جرقه های کوچک ولی اثرگذار پایه ریزی می شود؛ مثل نقشی که سمیرا نوربافی امروز در محله مهدی آباد دارد و جرقه کارآفرینی امروزش، پنج سال پیش به دعوت یکی از همسایگانش زده شد. البته نه اینکه فکر کنید نوربافی الان کارگاه پرطمطراقی برای خود دست و پا کرده است؛ اتفاقاً جنس کارآفرینی او اگرچه متفاوت است، با سبک زندگی اهالی این محله و روستاهای اطراف آن کاملاً جور درمی آید و زنانی، پایه پای او کار می کنند که نه فرصت هشت ساعت کار مداوم در فضای بیرون از منزل را دارند و نه سبک زندگی شان به گونه ای است که بتوانند خانه و زندگی و فرزندانشان را تنها بگذارند.

آن هادر خانه، زمان های خالی شان را با وصل کردن رویه و زیره کفش به هم می گذرانند و در قبال این کار خانگی، علاوه بر اینکه هزینه های زندگی شان را تا حدی تأمین می کنند، اوقات فراغتشان را هم می گذرانند و حرفه ای می آموزند. حدود هجده بانوی خانه دار از محدوده عباس آباد واقع در محله مهدی آباد، به همت سمیرا نوربافی وارد این شغل شده اند و بخشی از چرخ زندگی شان را با همین کار می گردانند.

۵



داستان جلد

آغاز ماجرا با بسته بندی روسری

حدود ۱۰ سال پیش، سمیرا نوربافی در محله مهرآباد سکونت داشت. آن زمان جوان تر بود و پسر دومش تازه کمی بزرگ شده بود که به پیشنهاد یکی از همسایگانش، نخستین تجربه کاری خود را رقم زد؛ یک سال با چند نفر از همسایه ها به بسته بندی روسری مشغول بودیم. درآمد خوبی داشت و توانستم بخشی از هزینه خرید ماشینم را با آن کار، جور کنم.»

این تجربه یک ساله به دلیل جابه جایی منزل به محله عباس آباد که محله پدری نوربافی است، به پایان رسید و او تا دو سال بیکار ماند، اما مزه کار در منزل و درآمد کم ولی شیرین آن هنوز زیر زبانش بود. به همین دلیل تصمیم گرفت به سراغ کاری در حوزه کفش برود؛ زیرا پیش از این، دوخت کفش در منزل را، خواهر شوهرش انجام می داد و به آن علاقه مند شده بود و بالاخره گمشده اش را در دستان یکی از همسایگان قدیمی اش یافت؛ یکی از دوستانم که در مهرآباد سکونت داشت، تکه های کفش را که شامل زیره و رویه بود، توزیع می کرد. وقتی او را دیدم، پیشنهاد همکاری داد تا برایش کفش بدوزم و من هم قبول کردم و کارم از همان زمان شروع شد.

نقطه عطف کار جدید

همیشه شروع هر کاری با فراز و نشیب هایی همراه است. کارآفرینی برای سمیرا نوربافی هم این گونه بود و پیشنهاد همسایه اش به کار، چندان هم آسان نبود. سمیرای محله عباس آباد، وقتی باروش دوخت هر کفش آشنا شد و آموزش دید، در ابتدا حرکتش کند و لاک پشتی بود. وقتی با حساب و کتاب سرانگشتی دید که دوخت هر کفش یک ساعت زمان می برد و درازای آن، مبلغ کمی دریافت می کند، منصرف شد و بقیه تکه های دوخته نشده کفش را به دوستش برگرداند، اما اینجا، همان نقطه عطف زندگی سمیرا بود.

خودش در این باره می گوید: بچه هایم هنوز کوچک بودند و دوخت هر کفش، زمان زیادی از من می گرفت. وقتی این موضوع را با همسایه ام مطرح کردم، دوستانه تشر زد و گفت حق نداری این کار را بکنی! تو می توانی؛ فقط یک هفته صبر کن و ادامه بده.

نوربافی همین حالا هم که به اینجای ماجرای زندگی کاری اش می رسد، آن خانم راد عا می کند و می گوید: خدا خیرش بدهد که اجازه نداد من جایزتم و کنار بکشم.



که توکفش هارا برای مادر منزل می آوری و می بری. به نظرم به همین دلیل پول این کار پربرکت است و برابیم خوش روزی بوده است.

دوخت هر جفت کفش، ۵ هزار تومان

داستان همیشگی سودهای گزاف واسطه ها و دلال هادر بازار آزاد را اینجا هم می توان دید. اینکه کارگر، کمترین دستمزد را دریافت می کند و واسطه های کلان، سودی سرشار از این رنج و زحمت به جیب می زنند. با اینکه قیمت دوخت هر کفش ۵ هزار تومان است و به طور میانگین، اگر کسی مهارت خوبی داشته باشد روزانه ۲۰۰ هزار تومان از این کار، درآمد خواهد داشت، فروش نهایی کفش، ده هابرابر قیمت و ارزش اصلی کفش است که با کمی بررسی در فروشگاه های شهر می توان تفاوت فضایی آن را تخمین زد. به ویژه که کفش مشهد، طرفداران خودش را در ایران دارد و نوربافی به این موضوع اشاره می کند و می افزاید: کفش مشهد به دلیل دوردوزی، مشتری خوبی دارد. کفش هایی که ما می دوزیم، به گفته صاحب کارگاه، مشتری های بسیاری در تبریز، تهران، اصفهان و یزد دارد.

به گفته سمیرا، شاید شروع کار سخت به نظر بیاید اما با کمی تمرین، هر جفت کفش در هشت دقیقه دوخته می شود؛ «فردی با ماکار می کند که با آنکه ۲۵ سال بیشتر ندارد و مادر سه فرزند و نیم قد است، روزانه پنج سری کفش می دوزد و از فرصت های خالی اش برای این کار استفاده می کند».

دعای مردم، عامل برکت کار

نوربافی دلیل این موضوع را که چرا از ابتدای شروع شغلی رفته است که بتواند در منزل انجام دهد، این گونه برایمان تعریف می کند: وقتی این کار را شروع کردم، پسرانم کوچک بودند و نیاز به مراقبت داشتند. نمی توانستم آن هارا تنها بگذارم یا به کسی بسپارم. از طرفی خودم دوست داشتم کاری انجام دهم که زمان زیادی از من نگیرد و بتوانم به خانه داری ام برسم. کل زمانی که این کار در طول روز از من می گیرد، حدود سه چهار ساعت است که قبل از رسیدن بچه هایم از مدرسه، کارم تمام شده است و به خانه برگشته ام. این موضوع برای هجده بانوی دیگری هم که نوربافی با آن ها کار می کند، صادق است. عده ای از آن ها با این کار درواهای قرعه کشی خانگی شرکت کرده و بعضی ها، کمک خرج همسرانشان شده اند. نوربافی می گوید: خانم ها هر روز مراد عامی کنند و می گویند چه خوب

اشتغال ۱۸ بانوی خانه دار

یک سال از شروع کاری گذشت که آن خانم به دلیل مسائلی که برایش پیش آمد، نتوانست کار توزیع کفش را ادامه بدهد و گام دوم پیشرفت شغلی برای سمیرا رقم خورد. بانوی همسایه از او خواست مسیر کاری اش را ادامه دهد. سمیرا بعد از کمی تردید، اما با اعتماد به نفسی که در طول کار کسب کرده بود، به پیشنهاد دوستش جواب مثبت داد و امروز او، هم توزیع کننده کفش است و هم کفش می دوزد. نوربافی درباره زنانی که برایش کار می کنند، از اصطلاح «شاگرد» استفاده می کند؛ زیرا دوخت کفش را به هر کدماشان به طور جداگانه آموزش داده و امروز تعداد شاگردانش به هجده بانوی خانه دار در محلات عباس آباد، مهرآباد، پورسینا و روستاهای فرخ آباد و کریم آباد رسیده است. این بانوان و مادران، خود را مدیون تلاش و دلسوزی های سمیرا نوربافی می دانند که هر روز، با وسیله شخصی اش، تکه های کفش را برایشان می برد و بعد از آنکه سفارش ها آماده می شود، به صاحب کارگاه کفافی تحویل می دهد؛ «هر روز ساعت ۸:۳۰ صبح ۱۱ به منزل شاگردانم می روم و حدود بیست سری کفش را که هر کدام، شامل دوخت هشت جفت کفش می شود، توزیع می کنم. البته گاهی توزیع کفش ها به ۲۰ تا ۳۵ سری هم می رسد. سپس کفش های دوخته شده را تحویل می گیرم».

چرا نباید محله ام را دوست داشته باشم

حالات تعدادی از زنان محله، سمیرا را به خوبی می شناسند. علاوه بر همسایگی که با او دارند، دلیل شرایط شغلی مناسبی که سمیرا برایشان فراهم کرده است، توانسته در میان آنان اثرگذار باشد. او با وجود توانمندی هایی که دارد، می تواند هر جای دیگری هم حضور فعال داشته باشد اما انتخابش، کار در محله خودش است؛ شاید مهم ترین دلیلش، علاقه او به محله عباس آباد باشد؛ محله ای که در آن متولد شده، در کوچه هایش بازی کرده، با بچه های محله خاطره دارد، دوستان زیادی دارد که با آن ها بزرگ شده و به مدرسه رفته است. همان جاذبه دواج کرده و بعد از ۹ سال زندگی در محله مهرآباد، دوباره به آن برگشته است و وقتی از حس و حالش درباره محله و کار در آن رami پرسیم، بدون هیچ مکثی جواب می دهد: من اینجا بزرگ شده ام و محله ام را دوست دارم. خانواده ام اینجا زندگی می کنند؛ چرا نباید از کار در اینجا لذت ببرم؟



مسئولیت پذیری تال حفظه زایمان

طاہره خانم یکی از شاگردان سمیرا خانم نوربافی است که چند ماهی است با او کار می کند. او هم کفش هارا خوب و تمیزی می دوزد و هم سفارشات را که قبول کرده است، به موقع تحویل می دهد. نوربافی این موضوع را تأیید می کند و می گوید: طاہره از جمله شاگردان مسئولیت پذیر گروه ماست. مصداق این مسئولیت پذیری از نظر نوربافی دلیل دارد و آن هم به دوران زایمان طاہره خانم برمی گردد. دقیقاً چند روز قبل از تولد بچه، او چند سری کفش قبول کرد و کوشید زودتر از زمان مشخص، کارهایش را تحویل بدهد. طاہره می گوید: سمیرا خانم خیلی با من همراه است؛ من هم همیشه سعی کرده ام کارها را به موقع به دستش برسانم؛ شبی که درد زایمان سراغم آمد، کفش ها دوخته شده بود. به شوهرم سپردم فردای روز زایمان، آن هارا تحویل بدهد. حرف طاہره که کمی خجالتی به نظر می آید و حالا دوماهی از تولد فرزندش گذشته است، تمام می شود. نوربافی این را اضافه می کند که طاہره دوازده روز بعد از تولد بچه اش، دوباره کار را شروع کرد.

اعتماد به نفس، مهم ترین دستاورد شغلی سمیرا

داشتن شغل و حضور در اجتماع، هرچند اندک و به روشی که سمیرا نوربافی آن را تجربه کرده است، می تواند دستاوردهای مهمی داشته باشد که برای او مهم ترین آن ها افزایش اعتماد به نفس است؛ از وقتی وارد این کار شدم، با افراد بسیاری در ارتباط بودم و آشنا شدم. همین موضوع باعث شد هم نحوه تعامل بهتر با آدم ها را یاد بگیرم و هم اعتماد به نفسم به دلیل اینکه حس می کنم کار مفیدی برای اطرافیان، دوستان و شهرم انجام می دهم، بیشتر شده است. سمیرا به رانندگی هم علاقه دارد و به دلیل اینکه گاهی مجبور است برای تحویل سفارش ها از کوچه های باریک یا جاده های خاکی اطراف محله عباس آباد عبور کند، آن را یک حسن برای خود می داند و می گوید: من عاشق رانندگی بودم و شاید یکی از دلایلی که این کار را قبول کردم، همین باشد. این کار باعث شده است مهارتم در رانندگی بهتر شود و گاهی از مسیرهایی به راحتی رد می شوم که آقایان نمی توانند.



داستان ایمان گل ختمی، جوانی که هیچ دستگاهی را غیرقابل تعمیر نمی داند

جراح الکترونیک



راه تجربه



سحر نیکو عقیده روی تابلو کوچک مغازه اش نوشته شده «جراحی الکترونیک». اما اینجا اورا به نام دیگری می شناسند: «تعمیرکار جهنمی». اهر قطعه ای که دیگران از تعمیرش ناامید می شوند، به دست او دوباره زنده می شود. از یورد ماشین گرفته تا تجهیزات پزشکی، همه چیز را روی میز کارش می توان دید. ایمان گل ختمی متولد سال ۱۳۷۳ است و در رشته مهندسی پزشکی، گرایش بیوالکترونیک تحصیل کرده. بعد از دانشگاه مدتی در شهرک صنعتی طرق برای صاحب کار دیگری کار کرده؛ جایی که حتی یورد ماشین های سنگین و آمبولانس ها را هم تعمیر می کرد و تعمیر این قطعات از دست کمتر کسی برمی آمد. همین مهارت باعث شد نامش دهان به دهان بچرخد و مشتری هایش از گوشه و کنار شهر سرپرستند. او حتی در سال ۹۷ یک اختراع به نام دستگاه فتوترایی نوزاد هم به ثبت رسانده است. باین حال، این فقط گوشه ای از مسیر پرفراز و نشیب مبتکر محله آقامصطفی خمینی است که طی کرده؛ حالا او در همان شهرک برای خودش در یک اتاقک کوچک کار می کند و کلی داستان و خاطره از مسیری که تا به اینجا طی کرده است، دارد.



از دل خرابکاری تا نوآوری

مثل خیلی از بچه ها، اولین نشانه های علاقه و استعدادش از همان دوران کودکی بروز پیدا کرد؛ هنگامی که وسایل خانه را یکی یکی باز می کرد تا دل و روده شان را ببیند! هیچ وسیله ای از دستش در امان نبود، از رادیو گرفته تا ضبط صوت.

همین کنجکاوی ها بعد ها مسیرش را مشخص کردند. در دانشگاه، رشته مهندسی پزشکی را انتخاب کرد و در شاخه بیوالکترونیک ادامه داد. اما از آن دانشجویانی نبود که فقط به درس خواندن بسنده کنند. دوران دانشجویی اش پر بود از تجربه و ساخت و ساز، مثلاً همان زمان با همکاری یک مهندس، دستگاه رنگ پاش پودری و مخمل پاشی ساخت که با استفاده از جریان الکتریسیته قوی، رنگ را روی سطوح مختلف می نشانند. باین حال، مهم ترین تجربه اش در همان سال ها، ثبت اختراع دستگاه تخت فتوترایی بود. خودش می گوید: میل به رفتن از کشور داشتم، میلی که بعد تر فروکش کرد. اما همان موقع افتادم دنبال ثبت اختراع. کلی مقاله خواندم تا رسیدم به موضوع فتوترایی نوزاد. بعد شروع کردم به پیام دادن به استادان مختلف تا بالاخره توانستم با خانم دکتر عزت خداشناس، فوق تخصص نوزادان، ارتباط بگیرم. او از ایده ام استقبال کرد.

ایده ایمان، تولید دستگاهی برای درمان زردی نوزادان بود. مهتابی های دستگاه های معمولی، اشعه فرابنفشی دارند که می تواند سرطان زا باشد، اما او توانست دستگاهی طراحی کند با بازه تابشی کمتر و ایمن تر؛ دستگاهی که در عین سادگی، تفاوت بزرگی در سلامت نوزادان ایجاد می کرد.

گواهی نامه ثبت اختراعش حالا روی دیوار کارگاه کوچک او خودنمایی می کند؛ سندی که در سال ۹۸ از سوی سازمان ثبت اسناد کشور صادر شد. باین حال، دستگاهی که برای درمان زردی نوزادان ساخته بود هیچ وقت به مرحله تولید نرسید. خودش با خنده ای تلخ می گوید: در پژو هشکده بوعلی

اختراعی که فراموش شد

عکس: نیکو عقیده / شهرآرام

نمایندگی رسمی مشهد گفته بود قابل تعمیر نیست و پیشنهاد کرده بودند بفرستند تهران. ایمان اما کوتاه نیامد. دوماه تمام وقت گذاشت، قطعه به قطعه بررسی کرد، و بالاخره دستگاه را زنده کرد. لبخند می زند و می گوید: زن دایی مادرم زنی سالخورده و مهربان است. هر وقت من را می بیند، کلی دعای خیر برایم می کند. همین برایم از هر مزد و پاداشی باارزش تر است.

ایده تأمین قطعات کمیاب

ایمان پراز ایده و برنامه است. ذهنش مدام درگیر ساختن و بهتر کردن چیزهاست. علاقه اش به تولید، چیزی فراتر از یک شغل یا سرگرمی است؛ انگار خودش را در خلق و جان دادن به وسایل پیدا می کند. می گوید روزی می خواهد خط تولید خودش را راه بیندازد و قطعات مختلف الکترونیکی را به شکل گسترده تولید کند. یکی از هدف هایش هم راه اندازی مرکزی برای تأمین قطعات نایاب در بازار تهران و مشهد است؛ قطعاتی که نبودشان را هر روز هنگام کار حس می کند.

با تمام این ها، به نظر می رسد که او تمام وقت و انرژی اش را وقف کاری کرده که عاشقش است. کارگاهی کوچک و ساده دارد، اما درونش پراز رویا و تلاش است. از بیرون شاید فقط تعمیرکار باشد، اما هرکسی که او را می شناسد، می داند پشت هر دستگاهی که بنشیند هر چقدر هم که خراب باشد آن را زنده می کند. همان چیزی که به قول همکارانش او را از یک تعمیرکار معمولی، به «تعمیرکار جهنمی» تبدیل کرده است.

جان بخش دستگاه ها

حالا روی میز کارگاهش از یورد ماشین های سواری و سنگین گرفته تا تجهیزات پزشکی دیده می شود. از او می خواهم درباره تعمیرهای خاصش بگویم: «این جور مورد ها زیاد بوده. مثلاً یکی از مشتری ها راننده پیست

بود. اندازه خود ماشین خرجش کرده بود و موتور تقویتی برای ماشین گذاشته بود. اما ماشین گاز نمی خورد. اگر درست نمی شد مجبور بود تا تبریز برود. تعمیر که شد، هم صنف هایش هم یکی یکی پیش من آمدند.»

تا به حال از مراکز زیادی برای تعمیر دستگاه ها با او تماس گرفته اند. یک بار از یکی از مراکز معاینه فنی خودرو مشهد با او تماس گرفتند:

«می گفتند دستگاهی داریم که هر پنج ماه خراب می شود.» ایمان سراغش رفت، ساعت ها پایش نشست، و در نهایت توانست ریشه مشکل را پیدا کند؛ اشکالی که سال ها کسی نتوانسته بود حلش کند. بعد از آن، دستگاه دیگر

حتی یک بار هم از کار نیفتاد. اما یکی از تعمیرهایی که خودش هنوز با حس خوبی از آن یاد می کند. ماجرای ماشین لباسشویی زن دایی مادرش است. همان دستگاهی که حتی



همکاری خوب خیران محلی منطقه ما در پویش «مشهد مهربان» به دانش آموزان بازمانده از تحصیل کمک کرد

پیوند دوباره ۷۰ محصل با مدرسه

عیدگاه

بسیاری از دانش آموزان گلشهری به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی خانواده ها از تحصیل منصرف یا منع شده اند. با همکاری فعالان محلی و مدارس برای شناسایی این دانش آموزان اقدام کردیم و مشخص شد در محدوده محله امیرالمؤمنین (ع) ۷۰ دانش آموز ایرانی ثبت نام نکرده اند.

کاریزی در ادامه به روند جذب خیران اشاره می کند و توضیح می دهد: تبلیغات گسترده ای را در سطح محلات گلشهر آغاز کردیم. با مساجد، حسینیه ها و مدارس ارتباط گرفتیم و در محافل روضه و قرآن خوانی این محدوده نیز مشکل پیش آمده را مطرح کردیم. خوشبختانه با حمایت و حضور خیران خردوکلان، اقدامات خوبی صورت گرفت و حمایت های لازم انجام شد تا حداقل دانش آموزان ایرانی از تحصیل بازمانند.

● تلاش برای کمک به دانش آموزان دیگر

مجتبی برزشی، معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه، ضمن تشکر از همکاری خوب فعالان محلی، نهادها و خیران با شهرداری منطقه ۵ می گوید: تاکنون حدود هفتاد دانش آموز بازمانده از تحصیل در منطقه به مدرسه بازگشته اند و این تعداد در سامانه مشهد مهربان به ثبت رسیده است. البته کار هنوز ادامه دارد و تلاش می کنیم تعداد بیشتری را به مدرسه بازگردانیم. در این مدت تعداد ۱۵۰۰ قلم نوشت افزار از سوی خیران اهدا شد و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ با کمک فعالان شورای اجتماعی محلات، این هدایا را به دست دانش آموزان نیازمند رساند.

تحصیل هستند. خیران خوش نیت ما قصد دارند در گمنامی کارشان را ادامه دهند؛ اما باید اعلام کنیم که بدون کمک آن ها نمی توانستیم این دانش آموزان را به تحصیل بازگردانیم. مثلاً در یک ماه گذشته ۴۱۰ قلم وسایل کمک آموزشی و لوازم تحریر به دانش آموزان نیازمند تحویل شده و با کمک خیران، برای پانزده مورد هم هزینه ثبت نام و بیمه پرداخت شده است.

● همه پای کار دانش آموزان

ساکنان محله امیرالمؤمنین (ع) با کمک خیران پیش از این در پویش مشهد مهربان و ویژه آزادسازی زندانیان جرائم غیر عمد خوش درخشیده بودند و حالا در پویش مشهد مهربان و ویژه بازگشت به تحصیل هم موفق عمل کرده اند. زهره کاریزی، رئیس شورای اجتماعی این محله، می گوید: اواخر تابستان بود که مطلع شدیم

عطایی اپویش «مشهد مهربان» در نیمه دوم سال هدفی متفاوت داشت. با آغاز سال تحصیلی، بسیاری از خانواده ها به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب، از پس هزینه های ثبت نام، بیمه دانش آموزی، هزینه لوازم التحریر یا حتی خرید کتب درسی بر نمی آیند و به ناچار فرزندانشان از تحصیل بازمی مانند؛ این اتفاق زنگ خطر را برای آینده این دانش آموزان به صدا درمی آورد.

امسال اما با همکاری خوب فعالان محلی و خیران و همراهی کمیته امداد امام خمینی (ع)، مراکز بهداشت و شهرداری منطقه ۵، تعدادی از این دانش آموزان به مدرسه بازگشتند.

● بازگشت به مدرسه با کمک خیران

طبق برآورد انجام شده حدود هفتاد دانش آموز ایرانی در سال تحصیلی ۱۴۰۴ در سطح محلات منطقه ۵ از تحصیل جامانده بودند. بیشترین تعداد دانش آموزان ۳۱ نفر در محله مهدی آباد و کمترین آن ها در نغراز محله مهرآباد اعلام شدند. مبالغ جمع شده نیز مشخص می کند که بیشترین مبلغ در پویش مشهد مهربان برای این کار خیر از محله نیزه، مهرآباد و امیرالمؤمنین (ع) بوده است.

خلیل... نیازی، فعال فرهنگی محله مهدی آباد، با همکاری خیران موفق شده است ۳۱ بازمانده از تحصیل را به مدرسه بازگرداند. اومی گوید: بدون این کمک ها به دانش آموزان و خانواده هایشان قطعاً ۳۱ دانش آموز به مدرسه نمی رفتند اما شکر خدا الان در حال



نوجوان محله اروند از تماشای اجرای کونگ فو الهام گرفت و حالا مدال آور استانی است

تمرین رزمی در بوستان محله

امید محله

● از اولین مسابقات بگو.

اولین مسابقه ام آبان سال گذشته بود. در مسابقات استانی که زیر نظر انجمن رسمی کونگ فو برگزار شد، شرکت کردم و توانستم مدال برنز بگیرم. راستش را بخواهید، اصلاً فکر نمی کردم در همان اولین مسابقه مدال بیاورم. خیلی استرس داشتم، اما تشویق مربی، خانواده و دوستانم باعث شد آرام شوم و تلاش کنم.

● چرا تصمیم گرفتی با سلاح سرد کار کنی؟

از بچگی عاشق فیلم های رزمی بودم. همیشه مجذوب صحنه هایی می شدم که مبارزان با سلاح هایی مثل نانچیکو یا شمشیر تمرین می کردند. برای همین وقتی در کونگ فو دیدم می توانم با سلاح کار کنم، بدون تردید انتخابش کردم. الان با نانچیکو تمرین می کنم. البته چند بار موقع تمرین در خانه وسایلی را شکسته ام.

● تمرین های قبل از مسابقه چطور بود؟

قبل از مسابقات فقط به همان سه جلسه در هفته اکتفا نمی کردیم. بعد از تعطیلی سالن، با چند نفر از بچه ها به بوستان بانوان رجایی می رفتیم و تمرین را ادامه می دادیم. تمرکزمان روی تکرار حرکات و هماهنگی بود. واقعاً سخت بود. اما همان تلاش ها باعث شد روز مسابقه آماده تر باشم.

● هدف ت برای آینده چیست؟

می خواهم در مسابقات کشوری و بعد بین المللی مقام بیاورم. در کنارش، رویایم این است که روزی مربی شوم تا بتوانم استعداد بچه های این منطقه را کشف کنم و به آن ها انگیزه بدهم. دوست دارم آن ها هم مثل من با پشتکار و امید، مسیرشان را پیدا کنند.

اینکه بخش های مختلفی دارد، مثل دفاع شخصی و کار با سلاح. که باعث می شود هیچ وقت از تمرین ها خسته نشوم. از همان جلسه های اول فهمیدم که این رشته دقیقاً همان چیزی است که دنبالش بودم.

● چند روز در هفته تمرین می کنی؟

معمولاً سه روز در هفته بعد از مدرسه به کلاس می روم. البته گاهی اگر وقت داشته باشم، بیشتر تمرین می کنم. مربی ام می گوید خیلی سریع پیشرفت کرده ام. فکر می کنم دلیلش تمرین مداوم و علاقه زیاد من به این رشته است. فضای خوب کلاس و دوستی بین بچه ها هم باعث می شود تمرین برایم لذت بخش باشد.

● چطور با دنیای ورزش آشنا شدی؟

چند سال پیش جودو کار می کردم. آن موقع سنم کم بود و خیلی زود آن را کنار گذاشتم. بعد از مدتی از ورزش فاصله گرفتم تا اینکه هشت ماه پیش در یکی از همایش های محله، اجرای گروهی دختران کونگ فو کار را دیدم. انرژی و هماهنگی آن ها برایم خیلی جالب بود. همان جا تصمیم گرفتم وارد این رشته شوم. با مربی شان، خانم سلیمانی، صحبت و همان هفته در کلاس ثبت نام کردم.

● چرا کونگ فو را به جودو ترجیح دادی؟

به نظرم کونگ فو هیجان انگیزتر است. حرکاتش متنوع ترند و حس قدرت بیشتری می دهد. ضمن



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائییه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

به مناسبت هفته تربیت بدنی از فعالان حوزه ورزش صبحگاهی منطقه ۵ تقدیر شد

انگیزه دادن به پیشگامان سلامت



زمینه سرمایه‌گذاری کند. در حال حاضر متأسفانه اعتبار لازم از سوی اداره تربیت بدنی سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد خیلی دیر پرداخت می‌شود ولی باز هم مربیان دلسوز از تلاش و انگیزه خود نمی‌کاهند.

به ویژه در حوزه ورزش صبحگاهی بانوان قدردانی کرد و گفت: حفظ نظم، استمرار فعالیت‌ها و جلب مشارکت بیشتر شهروندان در این برنامه‌ها از اولویت‌های ماست و نقش مربیان در تحقق این هدف بسیار تعیین‌کننده است.

زهرآخیلیان، مربی ورزش صبحگاهی سالن ورزشی شهید علیمردانی محله حسین‌آباد، از ظرفیت خوب ورزش صبحگاهی برای بانوان محله این‌طور گفت: بیش از ۱۰ سال است که هفته‌ای سه جلسه همراه بانوان محله ورزش می‌کنیم. جمعیت مخاطب این برنامه بین چهل تا شصت نفر متغیر است.

این مربی ورزشی در ادامه به ضرورت حمایت بیشتر از ورزش صبحگاهی بانوان اشاره کرد و افزود: مربیان ورزش صبحگاهی با بانوان خانه‌دار و مادران در ارتباط هستند و در کارشان استمرار دارند؛ زیرا باور ما مربیان این است که «بانویی که ورزش کند، نقشش را به عنوان همسر و مادر بهتر ایفا خواهد کرد و خانواده شادتری خواهد داشت.» به همین دلیل ضروری است که شهرداری مشهد بهتر و بیشتر در این

عطائی به مناسبت هفته تربیت بدنی و ورزش، آیین قدردانی از فعالان و مربیان حوزه ورزش صبحگاهی در منطقه ۵ شهرداری برگزار شد؛ مراسمی که با حضور شهردار و معاون فرهنگی و اجتماعی این منطقه، رنگ و بوی ویژه‌ای از نشاط و همدلی به خود گرفت و نقش پررنگ بانوان در گسترش فرهنگ ورزش همگانی را برجسته‌تر کرد.

● خانوادهای شاد با بانوی ورزشکار

در این مراسم که با هدف گرامی‌داشت هفته تربیت بدنی و تجلیل از تلاشگران عرصه سلامت و نشاط اجتماعی برگزار شد، از دوازده مربی ورزشی فعال در محلات منطقه ۵ قدردانی شد. بیشتر این مربیان، بانوانی بودند که با فعالیت مستمر در برنامه‌های ورزش صبحگاهی محلات، سهمی چشمگیر در ایجاد پویایی، نشاط و مشارکت اجتماعی شهروندان ایفا کرده‌اند.

حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۵، در این مراسم با اشاره به اهمیت ورزش همگانی، از تلاش‌های مستمر مربیان ورزشی

معبری برای بچه‌ها

نیکو عقیده | خیابان شهید رستمی ۲۱ یکی از خیابان‌های پرجمعیت بولوار شهید رستمی در محله کارمندان اول است که در انتها به خیابان چمن ۵۷ می‌رسد. این خیابان به دلیل وجود مجموعه ورزشی و مراکز فرهنگی و تردد زیاد ساکنان، همیشه حال و هوایی زنده و پر جنب و جوش دارد. در بیشتر ساعات روز، صدای بازی کودکان و رفت و آمد اهالی، شور و نشاط خاصی به این خیابان داده است.

شهید رستمی ۲۱
محله کارمندان اول



مسجد ابا عبد... الحسین^(ع) تنها مسجد این معبر است که حدود بیست سال پیش ساخته شد و اکنون اهالی محل مشغول توسعه و بازسازی آن هستند. این مسجد نه تنها محل برگزاری نماز جماعت و مراسم مذهبی است، بلکه پایگاهی فرهنگی هم شناخته می‌شود. در طول سال، کلاس‌های تربیتی، فرهنگی و آموزشی برای بانوان و کودکان در آن برگزار می‌شود.



در میانه خیابان شهید رستمی ۲۱، مجموعه ورزشی جمعه زاده قرار دارد؛ فضایی روباز با زمین والیبال، بسکتبال و فوتبال که دوران بافتن محصور شده است. در گوشه‌ای از مجموعه هم وسایل ورزشی برای استفاده عموم قرار دارد و بسیاری از نوجوانان عصرها برای ورزش به اینجا می‌آیند. به گفته اهالی، این مجموعه حدود ۲۵ سال پیش توسط شهرداری منطقه راه‌اندازی شد و پیش از آن، زمین خاکی بزرگی بود که بچه‌ها در آن، فوتبال بازی می‌کردند.



کانون فرهنگی تربیتی امید انقلاب یکی از مراکز فعال فرهنگی این محله است که در همین خیابان قرار دارد. این ساختمان کوچک از سال ۱۳۹۲ به عنوان کانون فرهنگی فعالیت می‌کند و پیش از آن، بخشی از دبستان شهید سپاسه بوده است. در این مرکز کلاس‌های متنوعی مانند سوزن‌دوزی، پاپیه ماشه، مهارت‌های رایانه‌ای و کارگاه‌های هنری برگزار می‌شود.